

تحلیل روند: شیوه‌ها و مشکلات

منبع: دانشگاه فناوری سواين برن

نویسنده: لین فیرمینگر، مارس ۲۰۰۳

مترجم: سید علیرضا حجازی

چکیده

تحلیل روند به طور عمده در بازاریابی، طراحی کسب و کار و برنامه‌ریزی راهبردی در سطح شرکت و در سطح ملی می‌پردازد. تحلیل روند دارای چندین متدولوژی فرعی است:

○ تحلیل روند تاریخی،

○ تحلیل محتوا،

○ تحلیل الگوی دوره‌ای، و

○ استفاده از اندیشه‌های کارشناسی مانند دلفی.

تحلیل روند را نباید به تنهایی به کار برد، بلکه باید آن را در توازن با دیگر متدولوژی‌ها مورد استفاده قرار داد. تحلیل روند در تلفیق با دیگر روش‌های آینده‌نگاری این ظرفیت را دارد که درک گسترده‌تر و ژرف‌تری به تحلیل‌های ما درباره‌ی آینده‌های محتمل بدهد.

مقدمه

حوزه‌ی مطالعات آینده‌پژوهی و متدولوژی‌های مربوطه در حال تغییر است. متدولوژی‌های تازه‌ای در حال شکل‌گیری است و در متدولوژی‌های قدیمی اصلاحات انجام می‌گیرد. نوشتار حاضر به بررسی موضوع تحلیل روند به عنوان یک متدولوژی که



خود از چند متدولوژی فرعی تشکیل شده است، می‌پردازد. برخی از این متدولوژی‌های فرعی می‌توانند در انواع گوناگونی از تحلیل‌های دیگر کارایی داشته باشند. نوشتار حاضر تمام ابعاد تحلیل روند را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، بلکه تنها دیدگاهی کلی درباره‌ی شیوه‌های گوناگون [تحلیل روند] ارائه می‌دهد. ژ

روند هنگامی شکل مشهود به خود می‌گیرد که پدیده‌ای از جهت‌گیری و گرایش ویژه‌ای برخوردار شود. برخی روندها، مانند روندهایی که در آن‌ها از داده‌های جمعیتی استفاده می‌شود، به نسبت ثابت هستند و بعید به نظر می‌رسد که تحولات یا پدیده‌های دیگر تاثیری چشمگیر بر آن‌ها داشته باشند. این دسته از روندها بر روندهای طولانی مدت‌تری مانند نرخ زاد و ولد، امید به زندگی و الگوهای اسکان که به مرور زمان تغییر می‌کنند، مبتنی هستند. تحلیل روند همچنین در پیش‌بینی گرایش‌های کسب و کار، مصرف و سیاست در سطوح محلی و یا جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای مثال، روند دموکراسی در اندونزی را می‌توان در رشد طبقه‌ی متوسط در این کشور نشان داد، اما این گرایش می‌تواند با توجه به رشد بنیادگرایی دینی، جهت‌گیری‌های سیاسی رییس جمهور تازه، خشکسالی طولانی، بی‌ثباتی منطقه‌ای و ... کند یا تشدید شود.

یکی از ویژگی‌های کلیدی درباره‌ی تحلیل روند نگرش گسترده و ژرف درباره‌ی وقفه‌های احتمالی در یک روند است. همچنین ضروری است که دیدگاه فرهنگی و سیاسی نویسنده و نقاط کور آن‌ها را مورد توجه قرار دارد، زیرا تحلیل روند فاقد از بار ارزشی نیست.



تحلیل روند «پاپ»

تحلیل روند به تدریج در کسب و کارهای کوچک و بزرگ اهمیت پیدا کرده است. راهبرد بازاریابی یک کسب و کار، به ویژه یک کسب و کار کوچک، بر سرشت روند یک صنعت ویژه، تحریف احتمالی در یک منحنی تولد تا مرگ، و میزان سرمایه‌گذاری در یک بازار مبتنی است. این گفته درباره‌ی کسب و کارهای کوچک مصداق بیشتری دارد، زیرا این گونه کسب و کارها به ندرت در بازار قدرت داشته و به شکل‌گیری روندها منتهی می‌شوند و تحلیل روند تا حدود زیادی در امریکا توسعه پیدا کرده است. در یک سو، تحلیل‌گرانی قرار دارند که در سطح عمل می‌کنند یا به گرایش‌های خطی ممتد متکی هستند، بدون آن که اختلال در روندها را مدنظر داشته باشند.

یکی از چهره‌های شاخص در حوزه‌ی تحلیل روند در سطح در امریکا فیث پاپ‌کورن است. بایتهای او در وب سایتش به طور رایگان در اختیار همگان است. تولیدات او عبارتند از: سمینارهای یک ساعته، مشاوره‌ها و کتاب هستند. افراد عادی می‌توانند از اطلاعات او به صورت رایگان کنند. افراد می‌توانند اطلاعات جمعیت‌شناسی را ارایه دهند. همچنین می‌توان از آنها خواست درباره‌ی یک گرایش اولیه اظهارنظر کنند. پاپ‌کورن متدولوژی خود را «رهگیری فرهنگ» می‌نامد. این متدولوژی بررسی رفتار عمومی است. پاپ‌کورن ۱۰ مورد برتر هر حوزه‌ای، مانند سینما، موسیقی، تلویزیون، کتاب، نمایشنامه، تولیدات، و مدها را پایش می‌کند. نوآوری ویژه پاپ‌کورن در توانایی او در نامگذاری رخدادهایی است که در میان گروه‌های بزرگی از مردم روی می‌دهند، به گونه‌ای که می‌توانند بحث و ارزیابی این گرایش‌ها را خود آغاز کنند؛ این در حالی است



که افراد صاحب فکر دیگری وجود دارند که می‌توانند تولیدات و خدمات را برای تقویت روند توسعه دهند. برای مثال، **cashing out** روندی است که در برگیرنده‌ی یک سبک زندگی ساده‌تر است. من دو مقاله‌ی مهم در روزنامه‌های عادی مشاهده کرده‌ام. همچنین من در موارد گوناگونی شاهد اشاره مردم به این پدیده‌ی تازه بوده‌ام. این نامگذاری به مردم فرصت داده است، پدیده‌هایی را بررسی کنند که بر زندگی آن‌ها تاثیر گذاشته است. این نوع تحلیل روند در سطح عمل می‌کند. درست است که این تحلیل روند نمی‌تواند نگرشی ژرف به زندگی ایجاد کند، اما به نظر می‌رسد کاربردهای خود را داشته است. [۱]

افراد و سازمان متعددی وجود دارند که دوست دارند درباره‌ی سال‌ها و دهه‌های آینده پیش‌بینی کنند. این شرکت‌ها اغلب شرکت‌های مشاوره‌ای کسب و کار هستند که سی‌دی، کتاب، مقاله و گاهی اوقات خبرنامه می‌فروشند. یکی از آن‌ها «فیوچریست. کام» است. مدیر این سازمان در سال ۱۹۸۰ و پس از این که یک دوره‌ی آکادمیک را تجربه کرد به آینده‌پژوهی حرفه‌ای تبدیل شد. متأسفانه او به این نکته اشاره‌ای نمی‌کند که آیا او هیچ گونه آموزشی در زمینه‌ی آینده‌پژوهی دیده است یا خیر. شما می‌توانید با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی با گرایش‌های سال ۲۰۰۴ آشنا شوید. ارزش این پایگاه این است که دیدگاهی به مراتب فراخ‌تر از حوزه‌ی اقتصاد دارد. این پایگاه به کیفیت مسایل زندگی نیز توجه دارد. برای مثال، بزرگ‌ترین رخداد سال کاهش نرخ‌زاد و ولد است هنوز دست کم این پرسش مطرح است که چرا این مساله یک دشوار است؟ [۲]



مهم‌ترین چهره در حوزه‌ی تحلیل روند خطی ممتد «جان نایسبیت» است. او برای نخستین بار کلان روندها را در سال ۱۹۸۲ منتشر کرد. این اثر بارها تجدید چاپ شده است که تازه‌ترین آن در سال ۱۹۹۶ بود. نخستین وسیله‌ای که نایسبیت در تحلیل روند به کار مطرح شده در کلان روند (۱۹۸۲) این است که «قابل اعتمادترین راه پیش‌بینی آینده درک زمان حال است.» او این کار را به طور عمده از راه پایش رفتارها و رخدادهای آینده انجام داد، «زیرا آن چه به شکل محلی روی می‌دهد، همان چیزی است که در کل آمریکا روی می‌دهد.» در چارچوب این پایش، او و همکاران او به این نتیجه رسیدند:

الف) روندها در جوامع محلی آغاز می‌شوند نه در نیویورک یا واشینگتن؛ و

ب) روندها از پایین به بالا روی می‌دهند.

شکل‌گیری این روش تحلیل روند در کاری آغاز شد که با رهبری پل لازارسفلد و هارولد لاسول در خلال جنگ جهانی دوم انجام شد. آن‌ها به تحلیل محتوای روزنامه‌های منطقه‌ای آلمان پرداختند تا با نحوه‌ی نگرش واقعی آلمان در جنگ آشنا شوند. اطلاعات مربوط به عرضه‌ی تولیدات، حمل و نقل و وضعیت منابع غذایی پنهانی بود. اما آن‌ها با بررسی دقیق روزنامه‌های محلی شمار کارخانه‌های فعال یا تعطیل و میزان تولیدات آن‌ها و نیز برخی اطلاعات دیگر را حدس می‌زدند. آن‌ها همچنین دریافتند روزنامه‌های محلی فهرست تلفات محلی را منتشر می‌کنند، در حالی که چنین اطلاعاتی در سطح ملی بسیار پنهانی بود. محافل نظامی به ادامه‌ی این نوع تحلیل



محتوا ادامه دادند. آن چه نایسبیت در کلان‌روندها انجام داد، به کارگیری این تحلیل در قالب تجاری بود.

در روش او یک ملاحظه‌ی نظری حیاتی دیگر وجود دارد: «خلا خبری در روزنامه‌ها یک سامانه‌ی بسته است. بنا به دلایل اقتصادی، حجم فضایی که در یک روزنامه به خبر تخصیص می‌یابد در طول زمان تغییر چشمگیری نمی‌کند. بنابراین، هنگامی که چیز تازه‌ای ارابه می‌شود، باید چیز دیگری یا ترکیبی از چیزهای دیگر حذف شود. ما با دنبال کردن چیزهایی که افزوده شده و چیزهایی که حذف می‌شوند، به نوعی سهم متغیر بازار را که با ملاحظات اجتماعی رقابت دارند، می‌سنجیم.»

او برای مثال به افزایش توجه به مسایل زیست محیطی و به همان اندازه کاهش توجه به مسایل مربوط به حقوق مدنی در روزنامه‌ها اشاره می‌کند. روندها در این نخستین کتاب عبارت بودند از:

- جامعه اطلاع‌سانی؛
- سامانه‌های ارزشی فردی رو به رشد در شرایطی که نوآوری‌های فناوری غیر بشری ارابه می‌شوند؛
- اندیشه‌های بلندمدت؛
- تمرکززدایی از قدرت؛
- خود یاری؛
- دمکراسی مشارکتی؛
- جهان شبکه‌بندی شده؛



• افزایش اهمیت کشورهای جنوبی امریکا؛ و

• گزینه‌های چندگانه‌ای که می‌توانند جایگزین سناریوهای «این یا آن» شوند. [۳]

این رویکرد چند ایراد دارد:

۱- رویکرد تحلیل محتوا که در دوران جنگ شکل گرفت، ابزاری برای پیش‌بینی آینده

تلقی نمی‌شد، بلکه ابزاری به شمار می‌آید که هدف آن، اندیشه کردن در ژرفای

اخبار برای آگاه شدن رخداد‌های امروز بود.

۲- امور حسی را بر امور منطقی اولویت می‌بخشند.

۳- در این رویکرد فرض بر آن است که روند چرخه‌ی زندگی خود را طی خواهد کرد،

بدون این که شوک‌های ناگهانی خللی در آن ایجاد کنند. این فرض سبب شد که

نایسبت پیش‌بینی کند ژاپن به جای امریکا بزرگ‌ترین قدرت صنعتی جهان خواهد

شد. [۴]

نخستین نگرش‌های نایسبت درباره‌ی تحلیل روند بیشتر بر روی امریکا متمرکز بود و

این مساله دو کتاب‌های پی در پی او مشهود است. او اهمیت کمتری برای روندهای

آسیایی قایل بود. سازمانی موسم به «لایف کورس آسوشیتدپرس» این پرسش را در ۲۹

اکتبر ۲۰۰۱ مطرح کرد: نرمال (؟) تازه چه خواهد بود؟ این گروه استدلال می‌کند که

امریکا ممکن است به چهارمین چرخه خود وارد شود. به دیگر عبارت، یک الگوی

چرخشی برای تاریخ وجود دارد که در پنج سده گذشته تاریخ امریکا بروز یافته است.

هر چرخه حدود یکصد سال طول می‌کشد. در آغاز این امر در ازدیاد سریع جمعیت

مشاهده می‌شود. پس از آن دوره‌ی بسیاری از روندهایی که او مطرح می‌کرد به تدریج



منسوخ می‌شدند، اما همواره روندهای تازه‌ای را با موفقیت به جای آن‌ها انتخاب می‌کرد. نایسبت پیشرفت را امری خطی، (پیشرو و بالا رونده)، و به نسبت مقاوم در برابر شوک‌های خارجی می‌دانست.

تحولی تازه – روندها و پیشرفت بین فردی

پیش از آن که بحث درباره‌ی تحلیل روند «پاپ» را پایان دهیم، باید به این نکته اشاره شود که تحلیل روند اکنون به عنوان راهنمایی برای زندگی مطرح است. در این باره چندین مثال وجود دارد. یک بیداری آغاز می‌شود (شبهه آن چه پس از تروری کندی در امریکا روی داد). یکی دیگر از این مراحل، مرحله‌ی «بحران اقتصادی» است که آخرین نمونه آن بحران مالی دهه‌ی ۱۹۳۰ در امریکا است. [۵] این نگرش چرخه‌ای و غیرخطی بیشتر از آن که مختص فرهنگ غرب باشد، به فرهنگ شرقی تعلق دارد و همان‌گونه که در ادامه نشان داده خواهد شد با تحلیل روند ارتباط خواهد داشت.

پل رای تحلیل روند را یک گروه‌بندی سیاسی تازه توصیف می‌کند. او تحلیل روند را «نوآوری‌های فرهنگی» می‌داند که به آینده‌ی کسب و کارهای بزرگ و مقوله‌ی جهانی شدن پرداخته و چیزی فراتر از موضوع «چپ در برابر راست» است. پل رای از یک نظرسنجی که خود در سال ۱۹۹۵ انجام داد، به عنوان مبنای تحلیل روند این گروه‌بندی سیاسی بالقوه قدرتمند در سال ۲۰۰۲ استفاده کرد. او استدلال می‌کند که تحلیل‌گران سنتی نمی‌توانند تغییرات ظریف در جامعه را تعیین کنند. [۶]

نوشتار حاضر این متدولوژی را تشریح نمی‌کند، اما پس از تماس‌های خود با پل رای، دریافتم که او ۱۰۳۶ نفر را به عنوان جمعیت آماری انتخاب کرده است. رای پس از



تماس‌های تلفنی با این افراد، پرسشنامه‌های طولانی برای آن‌ها ارسال کرد. این پرسشنامه درباره‌ی ارزش‌های موردنظر آن افراد بود. نتایج این تحلیل هنوز مبهم است، اما به نظر می‌رسد تنها نتایجی که رای برای چاپ مناسب دید، آن دسته از نتایجی بودند که از ارزش‌هایی که او به نوآوری‌های فرهنگی نسبت می‌داد، حمایت می‌کردند. با وجود استفاده از تحلیل عوامل و منحنی‌های زنگی شکل، این متدولوژی فرعی متقاعد کننده به نظر نمی‌رسد، زیرا نه جمعیت نمونه و تحلیل چندان شفاف نیستند. از آن گذشته، سیاست امریکا بسیار پیچیده‌تر از آن است که در این جا تبیین شود. این نوع تحلیل روند می‌کوشد به عمق مسایل بپردازد، اما به گزینش تاریخی متکی است و آن چه را که به نظرش خوشایند نمی‌آید نادیده می‌گیرد. این تحلیل روند می‌کوشد فرضیه‌ای را اثبات کند که به لحاظ تحلیلی مبنای متزلزلی دارد (این فرضیه و همان وجود «نوآوری‌های فرهنگی» است).

تحلیل روند به عنوان ابزار کسب و کار

مشاوره‌های جدی‌تر دیگری در زمینه‌ی تحلیل روند انجام گرفته است که برخی از آن‌ها به حوزه‌ی صنعت مربوط می‌شوند. شماری از این مشاوره‌ها، مانند آن چه در شرکت آی.بی.آی.اس.ورلد در استرالیا انجام شد تمام بخش‌های صنعتی را تا حد معینی تحت پوشش قرار می‌دهند. در استرالیا نیاز به اطلاعات مربوط به کسب و کار با بهره‌گیری از داده‌های تحلیل روند در دهه‌ی ۸۰ رو به فزونی گذاشته است.

کسب و کارهای خرد، به ویژه در بخش خدمات، در خلال دهه‌ی ۸۰ به میزان زیادی گسترش یافت. افزایش این گونه فعالیت‌ها به معنای آن بود که آن کسب و کار برای



بقای خود باید با روندها مرتبط شود. طی دوره‌ی ده ساله‌ی بعدی، محیط کسب و کار به مراتب آشفته‌تر و پیش‌بینی آن دشوارتر شده. یکی از پیامدهای این وضعیت، شکل‌گیری شرکت‌های مشاوره‌ای جهت کمک به صاحبان کسب و کار برای شناسایی روندها بود. یکی از این شرکت‌های بسیار مهم و معتبر در استرالیا شرکت آی.بی.آی.اس.آس.ورد است. این شرکت به گردآوری اطلاعات درباره‌ی صنایعی می‌پردازد که از داده‌ها و اطلاعاتی مانند مزاد صنعتی، اشتغال، شمار سازمان‌ها و... به عنوان شبکه‌ای برای تبیین افت و خیزهای مالی آن صنعت استفاده می‌کنند، این داده‌ها با داده‌های کیفی، گزارش‌های مطبوعاتی درباره‌ی شرکت‌های فعال در آن صنعت، گزارش‌های سالیانه شرکت‌های دولتی،... تکمیل می‌شوند. پس از این مرحله نوبت به فروش اطلاعات می‌رسد. آن دسته از افراد غیر عضو که به پایگاه اینترنتی این صنایع مراجعه کنند قادر خواهند بود یک صفحه از این مطالب را به طور رایگان مطالعه کنند. خوانندگان همیشگی «بیزینس ریویو ویکی» با شکل محدودتری از گرایش‌ها آشنا خواهند شد. در حقیقت، بین این دو گروه از علاقمندان ارتباطاتی وجود دارد. در همین حال، این اطلاعات می‌تواند به صورت رایگان در «مراکز کسب و کار دولت ویکتوریایی» عرضه شود. [۷]

شرکت مکنزی از شرکت‌های مشاوره‌ای بین‌المللی در امریکا است که برای توسعه‌ی راهبردهای کسب و کار با بخش‌های بزرگ‌تر همکاری می‌کند. این شرکت نیز یک خبرنگارمه‌ی برخط منتشر می‌کند که در آن اطلاعات رایگان به خواننده عرضه می‌شود. [۸] این شرکت فصلنامه را نیز به طور رایگان ارائه می‌دهد. آن‌ها از شماری از



روندهای داغ طی یک دوره‌ی زمانی مشخص و در طیف گسترده‌ای از صنایع پیروی می‌کنند. صدها شرکت مشاوره‌ای وجود دارند که «تحلیل روند» را به عنوان یکی از برنامه‌ریزی‌های کسب و کار ارائه می‌دهند. شماری از این تحلیل‌ها در پی زدودن تردیدها از برنامه‌ریزی کسب و کار هستند، اما مشکل بتوان دریافت که چگونه با استفاده از این نوع روندهای خطی مورد حمایت، امکان تحقق این مهم وجود دارد. شماری از تحلیل‌گران فعال در این حوزه کتاب‌هایی در زمینه‌ی شیوه‌ی انجام تحلیل روند منتشر کرده‌اند که می‌توانند برخی از مسایل این حوزه را حل و فصل کنند.

تحلیل روند به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی راهبردی

جرالد سلنت^۱ کتابی در زمینه‌ی رهگیری روندها و بهره گرفتن از آن‌ها به رشته‌ی تحریر در آورده است. این کتاب از سوی مراجع گوناگون، از جمله روزنامه‌ها، مورد تایید قرار گرفته است. از سوی دیگر، انتشار این کتاب از سوی انجمن جهان آینده یکی دیگر از دلایل اهمیت و اعتبار آن بود. این کتاب مدعی است، به موضوعاتی فراتر از سناریوهای مصرح در کلان روندهای ۲۰۰۰ پرداخته است. موسسه‌ای که جرالد سلنت عضو آن است، کار خود را با دنبال کردن روندها در دهه‌ی ۸۰ آغاز کرد. کتاب یاد شده با این باور نگاشته شده است که بیشتر مردم به روندها واکنش نشان می‌دهند و به همین دلیل، نمی‌توانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. این در حالی است که افراد هوشمند در برابر گرایش‌ها واکنش منفی نشان نداده، بلکه از آن استقبال نیز می‌کنند.

^۱. Gerald celente



به دیگر عبارت، آن‌ها آینده را پیش‌بینی کرده و بر پایه‌ی آن، فعالیت‌های یک تا سه سال آینده را مدون می‌سازند. [۹]

متدولوژی فرعی که جerald سلنت به کار برد، تحلیل روزنامه‌ای است، اما او به شکلی پیشرفته‌تر از نایسبت این کار را انجام می‌دهد. او به تشریح جزئیات شیوه‌ی خواندن روزنامه‌ها و علامت‌گذاری آن‌ها برای مراجعات بعدی می‌پردازد. روندها از گروه‌های گوناگون موجود در جامعه و نیز از رهبران اجتماعی نشات می‌گیرند. وجود نگرش جستجوگر در کنکاش‌ها اهمیت جدی دارد، اما ضروری است این نگرش به اندازه‌ی کافی فراگیر و گسترده باشد تا تمام روندها را در بر گیرد. او این مقوله را با بیان جمله‌ای تشریح می‌کند: اگر انسان تنها در جستجوی میمون روانه‌ی جنگل شود، نخواهد توانست مار پیدا کند. نکته‌ی مهم ضمنی در این گفته آن است که اگر تخصص کافی نداشته باشید، چیزهای مهمی را از دست خواهید داد. او استدلال می‌کند که یک روند نیازمند «سیر منطقی» است...، باید از دلایل اقتباس شود که حوزه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد... و دست‌کم نیازمند دو رخداد است. حوزه‌هایی که روندها باید در آن‌ها ظاهر شوند، حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. [۱۰] روندها چرخه‌ی زندگی طولانی دارند و مراحل تولد، بلوغ و مرگ را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، هیجانات اموری زودگذر بوده و اهمیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ندارند.

سلنت از این امر آگاه است که اگر افراد روزنامه‌ها بخوانند باید در کاربردهایی که از روزنامه به عمل می‌آورند تمایز قایل شوند. برای مثال، یک فرد تنها به این دلیل که بخش درخوری از مطالب روزنامه بی‌اهمیت است، به سراغ تحلیل محتوا نمی‌رود. این



گفته با دیدگاه نایسبت مبنی بر پذیرشی بی قید و شرط تمام اخبار نوشتاری متفاوت است، سلنت درباره‌ی روش خود چنین توضیح می‌دهد:

«شما باید عنوان‌های خبرها و خبرهای غیرواقعی را کنار گذاشته و بر روی خبرهای واقعی تمرکز کنید، زیرا این دسته از رخدادها به شکل‌گیری روندهای آینده می‌انجامند. خبرهای واقعی به ندرت در تلویزیون پخش می‌شوند. روزنامه‌ها هم به ندرت آن‌ها را به عنوان خبرهای مهم خود منعکس می‌کنند. این گونه خبرها را تنها در صفحات میانی روزنامه‌های خوب یا در نشریات تخصصی بازتاب می‌یابند. در این جا است که می‌توانید هشدارها درباره‌ی وقوع بحران را یک ماه یا یک سال پیش از منعکس شدن به عنوان تیتتر نخست روزنامه‌ها بیابید.»

بخش دوم کتاب پیش گفته به بررسی برخی روندهای عمده می‌پردازد و در برگیرنده‌ی بحث‌هایی درباره‌ی رسانه‌ها، سیاست، خانواده، آموزش، بهداشت، محیط زیست، ارتش و جهان است. طبیعی است که این موضوعات از دیدگاه آمریکایی مورد بررسی قرار گرفته باشند. نگاهی به نیروهای شکل دهنده‌ی روندها در دهه‌ی ۱۹۸۰ خالی از لطف نخواهد بود: او روند جهانی شدن را نوعی دور شدن از ایدئولوژی تلقی می‌کند و سده‌ی تازه را شاهد ظهور و افول ایدئولوژی‌های کمونیسم، فاشیسم، نازیسم و بنیادگرایی توصیف می‌کند. اما اکنون که در سال ۲۰۰۴ به سر می‌بریم، می‌توانیم بگوییم که این امر هنوز اتفاق نیافتاده است.

مایکل مازار هم با انتشار کتابی درباره‌ی روندها تا سال ۲۰۰۵ در این حوزه وارد شد، اما او بر این پیش فرض تاکید داشت که ما حدود ۱۰ سال زمان نیاز داریم تا طی آن، ابعاد



مثبت بر ابعاد منفی غلبه کنند. [۱۲] او همچنین یک جهان‌بینی گسترده را نیز پیشه می‌گیرد. مازار با «مرکز مطالعات راهبردی بین‌المللی» همکاری می‌کند. «بنیاد مک کورمیک ترایبیون» به همراه «بنیاد کره» و «بنیاد بی‌پی-آموکو» حمایت مالی از نگارش این کتاب را عهده‌دار بود. درک این مساله به آگاهی از جهت‌گیری‌های او کمک می‌کند.

او بحث خود را از پیتر دراگر آغاز می‌کند: «هر چند صد سال یک بار در تاریخ غرب تغییری شدید انجام می‌گیرد. جامعه ظرف مدت چند دهه کوتاه تغییراتی را در خود ایجاد می‌کند: در جهان‌بینی، ارزش‌های اساسی، ساختار اجتماعی و سیاسی، هنرها، نهادهای کلیدی. پنجاه سال بعد جهانی تازه ایجاد خواهد شد.» [۱۳]

تغییرات کنونی بر غرب و بر بیشتر مناطق جهان تاثیرگذار خواهد بود. در این تغییر از دوره‌ی صنعتی به دوره‌ی دانش حرکت خواهیم کرد و تحت تاثیر علم و فناوری قرار خواهیم گرفت؛ اما تغییرات اجتماعی، سیاسی و روانشناسی نیز به دنبال آن روی خواهند داد و مکمل تغییرات پیشین خواهند بود. او از منابع گوناگون بهره می‌برد: اثر دهه‌ی ۷۰ دانیل بل در زمینه‌ی جامعه صنعتی؛ دیدگاه چارلز هاندی درباره تناقض (که در سراسر کتاب نفوذ کرده است) و حرکت از جامعه مدرن به سوی جامعه پسامدرن؛ گزینه‌های آخر جان پیترسون؛ و نوآوری‌های فرهنگی پل رای. مازار درباره‌ی ایده‌ی حرکت از تصویر نیوتنی پیش‌بینی‌پذیر جهان به سوی نوعی کلیت‌گرایی مشهود در مکانیک کوانتوم و نظریه پیچیدگی بحث می‌کند. او در کتاب خود به نقل قول‌هایی از تائوته چینگ اشاره دارد که از تمایل به نگرش به فرهنگ‌هایی غیر از فرهنگ خود



سخن می‌گوید. این کتاب درباره‌ی متدولوژی یا دستورالعمل‌های مربوط به تحلیل روند توضیحی نمی‌دهد. اما روشن است که کتاب حاصل مطالعات گسترده است. در بخش‌های فراوانی از کتاب این مطلب روشن است که مازار از داده‌های سازمان ملل، اخبار رسانه‌ها و شمار زیادی از نویسندگان بهره‌برده است.

یکی از مشکلات این کتاب آن است که چارچوبی پیچیده دارد و رئوس فصول آن نمی‌تواند مسیر فراروی ما را روشن کند. این کتاب ۹ مضمون را دنبال می‌کند. مسایلی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارتند از: جمعیت جهان، جمعیت و مهاجرت، اقتدار در عصر دانش، دانش و کار سازمانی، و جهانی شدن، قبیله‌گرایی و تکثرگرایی.

او در پایان کتاب نسبت به چیره شدن بر مشکلات خوشبین است. او معتقد است که بحران‌هایی که با برخی از این تغییرات همراه هستند به نوعی سنتز منتهی می‌شوند. یکی از حوزه‌های سنتز بین جهان‌بینی‌های غربی و شرقی انجام می‌گیرد. هیچ‌یک از آن‌ها سلطه پیدا نخواهد کرد، اما نوعی جذب متقابل بین آن دو انجام می‌شود. مازار به مراتب حساس‌تر از دیگر تحلیل‌گران است و کتابش می‌تواند ابزاری سودمند برای کمک به پژوهشگران جهت اندیشیدن به موضوعات گوناگون باشد.

تحلیل روند و آینده‌های گوناگون

متدولوژی‌های گوناگون درباره‌ی تحلیل روند که تاکنون مورد بحث قرار گرفته‌اند تا حدودی پیش‌بینی‌گر بوده‌اند و می‌کوشند روند یا آینده چیزی را تعیین کنند. لزومی



ندارد که مساله همواره این چنین باشد؛ تحلیل روند می تواند برای تعیین سناریوهای ممکن به کار رود.

بارنی فوران و فرانزی پولدی، پژوهشگران CSIRO مطالعه‌ای را انجام دادند که در آن تاثیر اندازه جمعیت آینده استرالیا بر محیط زیست، اقتصاد، زیرساخت‌های ملی و کیفیت زندگی بررسی شده است. [۱۴] آن‌ها از داده‌های تحلیل روند که به حدود ۵۰ سال پیش تعلق داشت، استفاده کرد و سپس از این داده‌ها برای بررسی وضعیت جمعیت در سال ۲۰۵۰ استفاده کردند و سه سناریوی رشد جمعیت بالا، رشد جمعیت متوسط و رشد جمعیت پایین را ارایه کردند. آن‌ها به این ترتیب برخی بحران‌های احتمالی را که استرالیا ممکن است در آینده با آن‌ها روبرو شود، تشریح کردند. این اثر یک اثر بسیار مهم است و اگر دولت در پی حل و فصل مسایل مربوط به جمعیت در آینده باشد، می تواند از آن به عنوان ابزاری سودمند در حوزه‌ی مسایل جمعیتی استفاده کند.

دولت امریکا منابع چشمگیری برای تامین بودجه‌ی تحقیقات آینده‌نگاری در اختیار دارد. یکی از این نوع تحقیقات روندهای جهانی ۲۰۱۵: گفتگوی درباره‌ی آینده با کارشناسان غیردولتی نام دارد که دومین گزارش از این دست است و «شورای اطلاعات ملی» امریکا آن را منتشر کرده است. «شورای ملی اطلاعات خارجی» که تحت مسوولیت مدیر سازمان سیا قرار دارد، مجوز صدور این گزارش را صادر کرد. این گزارش از چشم‌انداز امنیت ملی به جهان می‌نگرد. این گزارش با کارشناسان دانشگاهی و سازمان‌های خصوصی تعامل داشته است و تنها به منابع اطلاعاتی طبقه‌بندی سنتی



بسنده نکرده است. این پروژه در پاییز ۱۹۹۹ آغاز شد و نتیجه‌ی آن در دسامبر ۲۰۰۰ منتشر شد. پروژه‌ی یاد شده مبتنی بر اثر دیگری است که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. در این کتاب عوامل حرکت جهانی شناسایی شده و تاثیر آن‌ها بر جهان در خلال ۱۵ سال آینده بررسی می‌شود - جمعیت و منابع طبیعی، فناوری، جهانی شدن و حاکمیت، مناقشات احتمالی، و چشم‌انداز همکاری بین‌المللی نقش امریکا. [۱۵]

کتاب یاد شده سندی جامع است که امنیت امریکا را در کانون توجه خود قرار داده است و البته از نویسندگی آن انتظاری جز این هم نمی‌رفت. این فرایند امکان دستیابی به دروندادهای اطلاعاتی غنی را فراهم می‌آورد. کارگاه‌های آموزشی با حضور طیف گسترده‌ای از کارشناسان دولتی و غیر دولتی برپا شد. هر یک از این کارگاه‌های آموزشی موضوع خاصی را در کانون توجه خود قرار داد. یکی از آن‌ها موضوع «جمعیت، منابع طبیعی، علم و فناوری، اقتصاد جهانی، حاکمیت، هویت‌های اجتماعی/فرهنگی و مناقشات» را در کانون توجه خود قرار داده و روندهای عمده و تنوع‌های منطقه‌ای را شناسایی کرده بود. کارگاه آموزشی دوم یک تمرین در زمینه‌ی طراحی سناریو بود که بر اطلاعات کسب شده از کارگاه آموزشی پیشین مبتنی بود. این کارگاه آموزشی تردیدهای مهم یا رخدادهای غیرمحمتمل و غیرقابل پیش‌بینی را در کانون توجه قرار داد و به شناسایی چالش‌های مهم سیاسی و اطلاعاتی مبادرت ورزید. سیزده نشست برگزار شد که بودجه‌ی هر یک از آن‌ها را شورای اطلاعات ملی امریکا به همراه دیگر مراکز دولتی و غیردولتی تامین کردند. هر یک از این نشست‌ها مضمون متفاوتی داشت که برای مثال، می‌توان به این موارد اشاره کرد:



○ تکامل دولت - ملت‌ها؛

○ روندهای دمکراتیزاسیون؛ قدرت اقتصادی امریکا؛ و

○ آینده‌های جایگزین در جنگ و مناقشه.

در آغاز پیش‌نویس گزارش تهیه شده و در اختیار کارشناسان خارجی قرار گرفت و پس از آن گزارش شکل گرفت. [۱۶] این نوشتار ابتدا با محرک‌ها و روندها آغاز می‌کند، به تردیدهای مهم می‌پردازد و سپس تشریح چالش‌های کلیدی بر سر راه حاکمیت روی می‌آورد. در بخش دیگری از این گزارش موضوعاتی مانند جمعیت، محیط زیست، بررسی می‌شود. پس از آن هم بررسی مختصری درباره‌ی مناطق مختلف ارایه می‌شود. در ضمیمه‌ی گزارش و به همراه ماتریس موضوعاتی مانند جمعیت، منابع و غیره، چهار آینده محتمل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین شیوه‌ی پیشرفت هر یک از این آینده‌ها بر پایه‌ی سناریوها گوناگون بررسی شده است. با وجود آن که این اثر بیشتر به آمریکا و مسایل مربوط به این کشور معطوف است، اطلاعات آن را می‌توان جهت تحلیل روندها در دیگر کشورها نیز به کار برد.

پارادایم متدولوژیک متغیر

نیاز به تحلیل روند و دیگر متدولوژی‌های آینده‌نگاری رو به افزایش است، در برخی موارد این متدولوژی‌ها می‌توانند مبنای آغاز بحث‌های سازمانی درباره‌ی آینده‌های موردنظر یا درونداد بحث‌های مربوط به سناریوسازی باشند. از جمله عوامل پیش برنده‌ی این موضوع می‌توان به رشد ابهامات جهانی، کوتاه شدن چرخه‌های کسب و کار، و حرکت از جوامع صنعت محور به سوی جوامع دانش محور اشاره کرد. تغییر در



تفکر آینده‌پژوهی از افول پوزیتیویسم به عنوان یک فلسفه بنیادین در گفتمان جامعه و نیز از رشد نوگرایی و پسانوگرایی ناشی می‌شود. بررسی‌های اخیر در کارهای وندل بل [۱۷] تغییر پارادایم آینده‌پژوهی را تا حدودی تبیین کرد. از دیدگاه بل، هرگونه اظهارنظری درباره‌ی آینده یا درباره‌ی هر چیز دیگری باید با شواهد همراه باشد. او معتقد است، چنین اظهارنظری باید اشتباهات و سفسطه‌های پنهان در فرضیه مقابله کند. تفکرات بل در جنبش اجتماعی علمی امریکا ریشه دارد. او اعتراف کرده است منتقدان پوزیتیویسم به پذیرش بدون نقد علوم پوزیتیویستی کمک کرده‌اند، اما اگر به طور منطقی به قضیه بنگریم این امر نه تنها به حذف علیت‌گرایی، ضرورت‌گرایی، عینیت‌گرایی و منطق‌گرایی می‌انجامد، بلکه اومانیسیم، لیبرال دموکراسی، مسوولیت‌پذیری و حقیقت را نیز به زوال خواهد کشاند. ما می‌توانیم اندیشه‌ی آینده‌پژوهی را نیز به فهرست بالا بیافزاییم. [۱۸] تحلیل روند، همان‌گونه که استیونسون می‌گوید، نوعی دانش حدسی^۱ را در این حوزه وارد می‌کند که باورهای توجیه‌پذیر درباره‌ی آینده را به امری رایج در این سنت تبدیل می‌کند.

آیا آن چنان که بل حرکت و جنبش خود را و رای پوزیتیویسم توصیف می‌کند، تحلیل روند محکوم به آن است که در درون پارادایم پوزیتیویستی یا واقع‌گرایی انتقادی باقی بماند؟ آیا تحلیل روند هیچ ارتباطی با مطالعات آینده‌پژوهی امروز دارد؟ بدون تردید، تحلیل روند از کاستی‌هایی که ریچارد اسلاوتر در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ در نقد آینده‌پژوهی مطرح ساخته است، رنج می‌برد. تحلیل روند گاهی اوقات شکلی ساختگی به خود می‌گیرد و از شناسایی نقش زبان و قدرت که در منافع اجتماعی مستتر است

^۱ conjectural knowledge



کوتاهی می‌ورزد. تحلیل روند از درک منابع و چارچوب‌های خود ناتوان است. قدرتمندان تحلیل روند را به سود خود مصادره کرده‌اند. تحلیل روند در نسخه‌هایی که می‌پیچد بیش از اندازه به خود مطمئن است و باب آگاهی از دیگر راه‌های دانستن را بسته است.» [۱۹]

اسلاوتر به نقش آزادی بخش مطالعات آینده توجه دارد و معتقد است این مطالعات می‌توانند جهان درون را (که در سنت پوزیتیویستی به فراموشی سپرده شده است) با جهان بیرون مرتبط کنند.

حفظ تحلیل روند برای آینده

«تحلیل تاثیر روند»^۱، یک متدولوژی است که آشکارا با رخدادهای غیر منتظره به عنوان بخشی از تحلیل روند کمیت - مقدار سروکار دارد. این متدولوژی امکان بررسی نظام‌مند رخدادهای احتمالی آینده را فراهم می‌آورد. این‌ها می‌تواند فناورانه، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا ارزش - محور باشند.

از قضاوت‌های کارشناسانه درباره‌ی احتمالات استقبال می‌شود. همچنین از چنین قضاوت‌هایی درباره‌ی رخدادی که متاثر از زمان است و نیز از تاثیر آن بر روند موردنظر استقبال می‌شود. همان‌گونه که فوران و پولدی^۲ عمل کرده‌اند، در آغاز داده‌های تاریخی انتخاب می‌شوند و نوعی بررسی عادی با استفاده از یک «الگوریتم متناسب برای منحنی»^۳ انجام گرفت. قضاوت و تخیل پژوهشگر در این مرحله نقش مهمی بر عهده دارند. فهرستی از رخدادهای احتمالی آماده می‌شود. این رخدادهای باید باورپذیر باشند.

¹ Trend Impact Analysis (TIA)

² Foran & Poldy

³ curve-fitting algorithm



آن‌ها باید از تاثیرگذاری بالقوه بالا برخوردار بوده و امکان راستی‌آزمایی آن‌ها وجود داشته باشد. منابع این فهرست می‌تواند شامل مطالعات دلفی، برخی انواع اجماع غیر رسمی در میان کارشناسان و جستجوی ادبیات باشد. پس از آن، احتمال وقوع رخداد ارزیابی می‌شود. این ارزیابی درباره‌ی زمان آغاز (یا طول دوره‌ی) تاثیرگذاری می‌باشد. به دنبال آن، تاثیر روند در شکل نهایی بررسی می‌شود. همچنین، این امکان وجود دارد که افراد به ارزیابی دامنه‌ی رخداد و بیشترین تاثیر آن روی آورند.

این نوشتار به بررسی یک نرم‌افزار تحلیل روند می‌پردازد که تحلیلی کیفی درباره‌ی احتمال وقوع یک رخداد و تاثیر آن بر روند ارایه می‌دهد. شاید مدیرانی که مایل به ارزیابی احتمال دستیابی به اهداف راهبردی در طی چند سال آینده هستند، این شیوه را سودمند تلقی کنند. گوردون معتقد است که نقطه‌ی قوت «تحلیل تاثیر روند» این است که به شما امکان می‌دهد، بگویید «به گمان من متغیرها در آینده چنین پیامدهایی را به دنبال دارند» و همچنین شما را قادر می‌سازد که بگویید من رخدادهای [احتمالی] را مورد توجه قرار داده‌ام. او این وضعیت را به تدوین یک سناریو تشبیه می‌کند. از دیگر مزایای «تحلیل تاثیر روند» برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی راهبردی این است که با مشخص شدن رخدادهای احتمالی، می‌توان آن‌ها را برای تعیین چارچوب یک روند مورد بررسی قرار داد.

برای افزایش هر چه بیشتر غنای تحلیل روند می‌توان به دیگر تکنیک‌های آینده‌پژوهی نیز متوسل شد. توجه به «عوامل نامشخص»^۱ یکی از این تکنیک‌ها است. این تکنیک که از سوی جان پیترسون معرفی شده است، نیازمند اصلاحات بیشتر است تا برای

^۱ .wild cards



کسانی که در خارج امریکا هستند، سودمند واقع شود. مارک جاستمن^۱ به چهار تصویری که جیم دیتور^۲ ارائه کرده است، (یعنی استمرار، تصادم، کندی و تغییر) توجه دارد. او به تفسیر این تصویرهای چهارگانه پرداخت تا غنای بیشتری به کاربرد احتمالی آنها ببخشد. [۲۱] همان گونه که گفته شده، از مطالعه‌ی دلفی و طراحی سناریو نیز برای افزودن به غنای تحلیل روند استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

تحلیل روند از اهمیت ویژه‌ای در حوزه‌های بازاریابی، برنامه‌ریزی کسب و کار و برنامه‌ریزی راهبردی برخوردار است. برای انجام تحلیل روند، به احتمال فراوان، پژوهشگران باید به بررسی محیط پرداخته و دریابند که در برخی حوزه‌های مورد علاقه، روندهایی وجود دارد. منابع اطلاعاتی به کار رفته در این زمینه با توجه به نوع روندی که مورد توجه است، متفاوت خواهد بود. گاهی اوقات اخبار ساده‌ای که در جامعه جریان دارد، می‌تواند منبع مناسبی برای انجام این کار باشد. اما اغلب شیوه‌های دیگری نیز لازم هستند. برخی از تحلیل‌گرانی که در این نوشتار به آنها اشاره شد، از نظرسنجی، تحلیل‌های تاریخی، مصاحبه با کارشناسان و دیگر منابع بهره‌جسته‌اند. برای مثال، تفاوت بین جان نایسبیت و مایکل مازار در تنوع داده‌های تحلیل‌های آنها نهفته است. پرسش مهمی که در هر مقطع باید پرسیده شود، این است که «آیا در شرایط کنونی یا در آینده امکان وقوع اتفاقی که مخل این روند باشد، وجود دارد؟» به دنبال این پرسش می‌توان پرسش‌هایی درباره‌ی احتمال وقوع رخداد و تاثیر احتمالی

¹. Mark Justman

². Jim Dator



آن مطرح ساخت. می توان این پرسش ها را از کارشناسان گوناگون پرسید؛ این امر می تواند در قالب جستجوی ادبیات، بحث گروهی یا مطالعه دلفی انجام گیرد. شفافیت در تحلیل روند امر بسیار مهمی است و می تواند درک پژوهشگر را از آن چه که در حال حاضر روی می دهد و تاثیر احتمالی آن بر آینده را افزایش دهد.

پی نوشتها

(۱) پاپ کورن (بدون تاریخ)، رجوع کنید به نشانی اینترنتی:

www.Faithpopcorn.com

(۲) رجوع کنید به نشانی اینترنتی:

www.Futurist.com

(۳) نایسبیت، جی. (۱۹۸۲)، کلان روندها: ده تصمیم تازه که زندگی ما را دگرگون می سازند،

وارنر، نیویورک، صص ۱۰-۳

(۴) نایسبیت (۱۹۸۲)، صص ۵۵-۵۶.

(۵) رجوع کنید به نشانی اینترنتی:

<http://www.lifecourse.com/whatwebelieve.html>

(۶) رای، پی. (۲۰۰۲)، ص ۴.

(۷) رجوع کنید به نشانی اینترنتی:

<http://www.ibisworld.com.au>

(۸) رجوع کنید به نشانی اینترنتی:

<http://www.mckinseyquarterly.com>



۹) سلنت جی. و میلتن تی. (۱۹۹۰)، رهگیری روندها، سامانه بهره‌گیری از روندهای

امروزی، وارنر، نیویورک، صص ۴-۵.

۱۰) سلنت و میلتن (۱۹۹۰)، صص ۱۳-۱۴

۱۱) سلنت و میلتن (۱۹۹۰)، صص ۲۱.

۱۲) مازار ام. (۱۹۹۹)، روندهای جهانی سال ۲۰۰۵: شیوه‌نامه‌هایی برای دهه‌های آینده،

نیویورک: انتشارات سنت مارتینوس، جلد ۴.

۱۳) مازار (۱۹۹۹)، صص ۱.

۱۴) فوران لی. و پولدی اف. (۲۰۰۲)، حل بحران‌ها: گزینه‌هایی برای مواجهه موضوعات

جمعیت، فناوری، منابع و محیط زیست در استرالیا در سال ۲۰۵۰، رجوع کنید به نشانی

اینترنتی:

www.cse.au/research/program5/publications/dilemmasdistilled.pdf

۱۵) شورای اطلاعات ملی (۲۰۰۰)، روندهای جهانی ۲۰۵۰: گفتگو درباره‌ی آینده با

کارشناسان غیر دولتی، شورای اطلاعات ملی.

۱۶) شورای اطلاعات ملی، اقتباس شده از مطالب مربوط به فرایند و ضمیمه.

۱۷) استیونسون اس. (۲۰۰۳)، «وندل بل: واقع‌گرایی انتقادی در مطالعه‌ی آینده»، نشریه‌ی

فیوچرز، مجلد ۳۵، شماره ۳، صص ۲۸۳-۲۹۵

۱۸) وندل بل به نقل از استیونسون اس. (۲۰۰۰).

۱۹) اسلاوتر آر. (۲۰۰۲)، «از پیش‌بینی و سناریو تا ساخت اجتماعی: پارادایم‌های

متدولوژیک متغیر در مطالعات آینده»، نشریه فورسایت، مجلد ۴، شماره ۳، صص

۲۶-۳۱



۲۰) گوردون تی.جی. (۱۹۹۴)، «تحلیل تاثیر روند»، برنامه‌ی هزاره AC/UNU

۲۱) جاستمن ام. (۲۰۰۳)، بررسی آینده، موسسه‌ی آینده‌های جایگزین. رجوع کنید به

نشانی اینترنتی:

www.Fortunecity.com.victorian/barchester/1341/index.htm

